



علیرضامتمولی



جدیدترین رمان نوجوان

واقعاً نمی دانم.
به خدا نمی دانم. نمی دانم چه کسی
دست من را بلند کرد که برایش دست تکان
بدهم. فقط دیدم دستم رفته بالا و دیدم دست او هم تکان
خورد. اما بالا نیامده رفت پایین. و من دیگر تاب نیاوردم که آنجا
بایستم. احساس عجیبی داشتم. برای اولین بار احساس
کردم یک زنم، یک دخترم، انگار چشمه‌ای
از درونم شروع کرد به
جوشیدن.



انتشارات آستان قدس رضوی

منتشر شد